

تحلیل عنصر محور رکن معنوی جنایات عمدی در صلاحیت دیوان کیفری بین المللی

جلال الدین قیاسی * ایمان محترم قلاتی **

(تاریخ دریافت: ۹۵/۳/۲۵ تاریخ پذیرش: ۹۶/۱/۱)

چکیده:

رکن معنوی جنایات عمدی در صلاحیت دیوان کیفری بین المللی، در ماده ۳۰ اساسنامه رم تبیین شده است. این ماده به مثابه قاعده‌ای عمومی است و در مورد تمام جنایات در صلاحیت دیوان، به استثنای مواردی که به غیر عمد بودن آن‌ها تصریح شده، اعمال می‌شود. اساسنامه با تعریف اصطلاحات قصد و آگاهی در ارتباط با هر یک از اجزاء رکن مادی جنایات، نخستین سند بین المللی است که مستقیماً به موضوع رکن معنوی جنایات پرداخته است. به رغم اینکه این ماده در پی آن بوده تا یک قاعده عمومی رکن معنوی برای تمام جنایات در صلاحیت دیوان وضع کند، تعریف کاملاً شفاف و روشنی از اجزاء ارکان مادی و معنوی جنایات ارائه نداده و در بردارنده ابهامات بسیاری است. وجود این ابهامات تفسیر و اجرای موضوعات مربوط به رکن معنوی در اساسنامه رم را با مشکلات و چالش‌های زیادی مواجه کرده است. در این مقاله، با توجه به اساسنامه رم و دیگر اسناد معتبر مربوط به دیوان، ضمن تفکیک و تعریف عناصر اصلی و اولیه رکن معنوی مندرج در بندهای مختلف ماده ۳۰ اساسنامه، ارتباط هر یک از این عناصر، با رفتار، شرایط و نتیجه جنایات در صلاحیت دیوان، بررسی شده است و مشخص شده در ارتباط با هر یک از عناصر رکن مادی جنایات در صلاحیت دیوان وجود چه جزئی از رکن معنوی برای تحقق جرم لازم است.

واژگان کلیدی: اساسنامه رم، رکن معنوی، قصد، آگاهی، خواستن.

* دانشیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه قم

** دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه قم (نویسنده مسئول):

درآمد:

به موجب ماده یک اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی موسوم به «اساسنامه رم در مورد تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی»^۱، دیوان صلاحیت رسیدگی به مهم‌ترین جرایمی که مایه نگرانی جامعه بین‌المللی است را دارد. این جرایم مطابق ماده ۵ اساسنامه دیوان عبارت‌اند از: جنایت نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و جنایت تجاوز.

رکن معنوی تمام جنایات در صلاحیت دیوان در ماده ۳۰ اساسنامه^۲ تبیین شده است. ماده ۳۰ بیانگر قاعده‌ای عمومی^۳ و دربردارنده الزاماتی است که در خصوص رکن معنوی همه این جنایات

1. Rome Statute of the International Criminal Court.

2. Article 30: Mental element

1. Unless otherwise provided, a person shall be criminally responsible and liable for punishment for a crime within the jurisdiction of the Court only if the material elements are committed with intent and knowledge.

2. For the purposes of this article, a person has intent where:

(a) In relation to conduct, that person means to engage in the conduct;

(b) In relation to a consequence, that person means to cause that consequence or is aware that it will occur in the ordinary course of events.

3. For the purposes of this article, 'knowledge' means awareness that a circumstance exists or a consequence will occur in the ordinary course of events. 'Know' and 'knowingly' shall be construed accordingly.

ترجمه ماده ۳۰ اساسنامه رم: (۱) در مورد هر جرم در صلاحیت دیوان، شخص تنها در صورتی که عناصر رکن مادی جرم را به همراه قصد و آگاهی انجام داده باشد، دارای مسئولیت کیفری و مستحق مجازات شناخته می‌شود، مگر اینکه به نحو دیگری مقرر شده باشد.

(۲) در چارچوب اهداف این ماده شخص در جایی قصد دارد که:

(الف) در ارتباط با رفتار، شخص بخواهد آن رفتار را انجام دهد؛

(ب) در ارتباط با نتایج، شخص بخواهد آن نتیجه را به وجود آورد یا آگاه باشد که آن نتیجه در پی رخدادهای معمول محقق می‌شود.

(۳) در چارچوب اهداف این ماده، آگاهی به معنای اطلاع داشتن از وجود شرایط است یا علم داشتن به اینکه نتیجه در پی رخدادهای معمول محقق می‌شود. عبارات آگاهی داشتن و با آگاهی می‌بایست بر این اساس تفسیر شود.

۳. قاعده عمومی (Default Rule) به این معنا است که ماده ۳۰ در مورد همه جرایم، به جز موارد مصرح در اساسنامه یا سایر منابع معتبر، اعمال می‌شود.

اعمال می‌شود. البته هر یک از این جنایات با توجه به تفاوت‌هایی که دارند ممکن است دارای ویژگی‌های خاصی در خصوص رکن معنوی باشند؛ زیرا با توجه به عبارت مندرج در بند (۱) ماده ۳۰ که مقرر داشته «مگر اینکه به نحو دیگری مقرر شده باشد»، در صورتی که اجزاء رکن معنوی هر یک از جنایات در مواد دیگر بر خلاف مقررات عمومی ماده ۳۰ باشد، ماده ۳۰ تخصیص می‌خورد و آن ویژگی‌های خاص اعمال می‌شود. از این رو رکن معنوی جنایات در صلاحیت دیوان عمدتاً عمدی است. باین وجود این قاعده کلی استثنائاتی نیز دارد. برای مثال به موجب ماده ۲۸ اساسنامه، در برخی موارد، فرماندهان و دیگر مقامات ارشد، حتی در صورت ارتکاب جرم با رکن معنوی غفلت یا بی‌احتیاطی دارای مسئولیت کیفری شناخته شده‌اند^۱ (Eser, 2002A, 772).

رکن معنوی جرایم بین‌المللی به‌ویژه جنایت نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی به‌تبع رکن مادی این جرایم، دارای پیچیدگی‌های زیادی است و همانند حقوق داخلی شرط تحقق جرم است و تأثیر زیادی در تعیین مجازات دارد. باین وجود، بررسی اسناد جزایی بین‌المللی که قبل از اساسنامه رم به تصویب رسیده‌اند، از جمله اساسنامه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی روآندا و یوگسلاوی، گویای این است که در هیچ‌یک از این اسناد، به‌رغم اینکه حاوی مقرراتی در خصوص مسئولیت کیفری مرتکبین جنایات موصوف است، به رکن معنوی ضروری برای تحقق جرم پرداخته نشده است (Nadya Sadat, 2002: 208).

اساسنامه رم بر خلاف اسناد قبل از خود به تشریح رکن معنوی لازم برای تحقق جنایات در صلاحیت دیوان پرداخته و علاوه بر رکن معنوی، موضوعاتی از قبیل مسئولیت کیفری، موانع تحقق مسئولیت کیفری و دفاعیاتی از قبیل امر آمر قانونی و غیره را نیز تبیین کرده است. در واقع اساسنامه از مفصل‌ترین مقررات مربوط به موضوعات فوق‌الذکر در میان اسناد بین‌المللی برخوردار است (Cassese and Gaeta, 2002: 1905) و در ارتباط با رکن معنوی، اساسنامه

۱. البته در این مقاله استثنائات این قاعده کلی بررسی نمی‌شود و صرفاً رکن معنوی جرایم عمدی تحلیل می‌شود.

دیوان در میان اسناد بین‌المللی در نوع خود اولین نمونه و پیشگام است؛ از این رو برخی حقوق‌دانان اظهار داشته‌اند: «ماده ۳۰ اساسنامه رم طراحی شده تا به حوزه رکن معنوی در جنایات بین‌المللی ثبات بخشد» (Pisani, 2004: 125).

سند «عناصر جرایم»^۱ از دیگر اسنادی است که علاوه بر اساسنامه رم، در بررسی رکن معنوی جنایات در صلاحیت دیوان باید مورد ملاحظه قرار گیرد.^۲ هدف از تصویب این سند توسط اعضاء دیوان، این بود که ضمن اعطاء استقلال اتخاذ تصمیم به قضات، ارکان مادی و معنوی جنایات مندرج در اساسنامه را به نحوی تفسیر نمایند که این سند تفسیری بدون ایجاد عناصر جدید جرم، منجر به ارائه راهکارهای مفید به قضات شود (Dormann, 2003: 350-351).

به‌رغم اینکه هدف اعضاء دیوان از تصویب ماده ۳۰ اساسنامه رم و سند عناصر جرایم ابهام‌زدایی از موضوعات مربوط به رکن معنوی جنایات در صلاحیت دیوان بود، شناخت رکن معنوی جنایات مندرج در اساسنامه بنا به دلایل متعدد با ابهامات و دشواری‌های بسیاری همراه شد. نخست اینکه اساسنامه دیوان مدل خاصی از سیستم کیفری یک کشور معین را ارائه نمی‌کند و قوانین کیفری خود را از کنوانسیون‌های متعدد، عرف بین‌الملل، اصول کلی حقوق بین‌الملل و رویه‌های قضایی متداول در نظام‌های مختلف حقوقی اتخاذ نموده است (روسو، ۱۳۶۹، ۱۷۲)؛ بنابراین مقررات مربوط به رکن معنوی در اساسنامه، عصاره‌ای است ترکیب یافته از تمام منابع فوق و دارای ابهامات و پیچیدگی‌های بسیاری است. از همین رو یکی از تنظیم‌کنندگان اساسنامه رم اظهار داشته: «تفاوت دیدگاه‌ها و نظام‌های حقوقی کشورهای متبوع تنظیم‌کنندگان اساسنامه،

1. International Criminal Court, Elements of Crimes, U.N. Doc. PCNICC/2000/1/Add.2 (2000):

(Published by the International Criminal Court, ISBN No. 92-9227-232-2, ICC-PIDS-LT-03-002/11_Eng.)

۲. به‌موجب ماده ۹ اساسنامه رم و بند «و» قطعنامه کنفرانس دیپلماتیک رم، مجمع دولت‌های عضو ملزم به تهیه و تدوین سند «عناصر جرایم» گردیدند. این سند باهدف کمک به دیوان در راستای تفسیر و اجرای مواد ۶، ۷ و ۸ اساسنامه و طی مذاکرات مقامات هیئت‌های کشورهای عضو ICC در مهر و موم‌های ۲۰۰۲ (نیویورک) و ۲۰۱۰ (کامپالا) تنظیم گردید (شریعت باقری، ۱۳۸۸: ۲۴۷ و ۲۶۷).

خلأها و نقایص بسیاری را در مقررات مربوط به رکن معنوی جرایم مندرج در اساسنامه ایجاد کرده است» (Clark, 2001: 334). دوم اینکه ماده ۳۰ اساسنامه تعریف واضح و روشنی از اجزاء ارکان مادی و معنوی و ارتباط آن‌ها با یکدیگر ارائه نکرده و حتی عبارت قصد را در معانی متفاوتی به کار برده است. این در حالی است که این ماده رویکرد عنصر محور^۱ را در تحلیل ارکان جرایم اتخاذ نموده و مقرر کرده در تمام جنایات در صلاحیت دیوان، مرتکب در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که عناصر رکن مادی جرایم (رفتار، شرایط و نتیجه) را به همراه قصد و آگاهی انجام داده باشد. سوم اینکه ماهیت اغلب جنایات در صلاحیت دیوان به گونه‌ای است که هر یک از اجزاء رکن مادی آن‌ها دارای ترکیبات و مصادیق زیاد و متفاوتی است؛ بنابراین تفکیک و شناخت این اجزاء و متعاقب آن فهم نحوه مقارنت و مطابقت عناصر رکن معنوی با آن‌ها، همیشه آسان نیست. بنا به دلایل مذکور برداشت‌های متفاوت و گاه متناقضی از این ماده صورت پذیرفته و تفسیر و اجرای آن با مشکلات و چالش‌های زیادی مواجه شده است؛ تا جایی که برخی این ماده را «گیج‌کننده و مبهم» توصیف کرده‌اند (Cassese, 2003: 1016) و برخی دیگر نیز اظهار داشته‌اند این ماده «بیشتر باعث طرح سؤال شده تا دادن پاسخ» (Werle and Jessberger, 2005: 35-37).

در مطالب پیش رو ابتدا موضوع چندگانگی مفهوم قصد و جایگاه انگیزه در اساسنامه را بررسی می‌کنیم. سپس مسئله چگونگی مطابقت ارکان مادی و معنوی جرایم در صلاحیت دیوان و در ادامه اجزاء رکن معنوی مربوط به هر یک از عناصر رفتار، شرایط و نتیجه جرایم مزبور را تجزیه و تحلیل خواهیم کرد و در انتهای مقاله یک مصداق خاص از این جرایم تشریح می‌شود.

۱. این رویکرد که در برابر رویکرد تحلیل کلی جرم مطرح می‌شود، منجر به تکه‌تکه شدن هر یک از ارکان مادی و معنوی جرم از یک عنصر به چندین جزء می‌شود و در نهایت موجب تسهیل شناخت رکن معنوی مرتبط با هر یک از اجزاء مختلف رکن مادی می‌شود.

۱. چندگانگی مفهوم قصد^۱ و جایگاه انگیزه در اساسنامه رم

ورود به مباحث اصلی مقاله در ابتدا مستلزم شناخت مفاهیم ارائه شده از واژه قصد و تبیین جایگاه انگیزه در حقوق جزا و بالأخص اساسنامه رم می باشد؛ بنابراین در این قسمت ابتدا به تشتت آراء حقوقدانان در خصوص مفهوم واژه قصد در اساسنامه رم و سپس به موضوع جایگاه انگیزه در آن اساسنامه پرداخته ایم.

۱-۱. چندگانگی مفهوم قصد در اساسنامه

با بررسی مواد مختلف اساسنامه رم به ویژه مواد ۳۰ و ۳۱ و بندهای ۲ تا ۴ مقدمه کلی سند عناصر جرایم، می توان به شناخت اجزاء تشکیل دهنده رکن معنوی جنایات عمدی در صلاحیت دیوان دست یافت. در ابتدا از ظاهر ماده ۳۰ اساسنامه، این امر قابل استنباط است که رکن معنوی جنایات در صلاحیت دیوان متشکل از دو قسمت قصد و آگاهی است.

«قصد» از حیث لغوی به معنای «وضعیت ذهنی همراه با فعل»^۲ آمده است (Garner, 2000: 328). با وجود اینکه قصد جزئی از رکن معنوی است، این تعریف آن قدر موسع است که نه تنها مفهوم کلی رکن معنوی را تحت پوشش خود قرار می دهد؛ بلکه فعل و انفعالات ذهنی دیگری مانند انگیزه که ممکن است جزء رکن معنوی نباشند را نیز در بر می گیرد. منبع اخیر در ادامه «قصد کردن»^۳ را خواستن محقق کردن امری دانسته که شخص در نظر داشته آن را انجام دهد یا آن را پیش بینی کرده است و یا وضعیت ذهنی که مطابق آن شخص بخواهد کاری را انجام دهد (Garner, 2000: 328). این تعریف از یک طرف با استفاده از واژه پیش بینی به مقوله آگاهی نزدیک شده و از طرف دیگر به خواست مرتکب نسبت به انجام عمل و اراده ارتکاب، اشاره داشته است. معنایی که از قصد یا قصد کردن در برخی از فرهنگ های حقوقی دیگر آمده نیز

1. Intent.
2. The state of mind accompanying act.
3. Intention.

بیشتر با قصد نتیجه (خواستن نتیجه) مطابقت دارد. برای نمونه در لغت‌نامه حقوقی آکسفورد «قصد کردن» به معنای وضعیت ذهنی آورده شده که مطابق آن شخص می‌خواهد نتیجه خاصی را محقق کند (Martin, 2001: 257).

نظام‌های حقوقی کامن‌لا و حقوق نوشته قصد را در معانی و دسته‌بندی‌های مختلفی به کار برده‌اند. برای مثال می‌توان به اصطلاحات قصد عام^۱ و قصد خاص^۲، قصد مستقیم و غیر مستقیم یا تبعی، قصد مستقیم درجه اول، قصد مستقیم درجه دوم و قصد احتمالی اشاره نمود (Finnin, 2012: 328). بررسی این متون بیانگر این است که قصد در هر یک از این تقسیم‌بندی‌ها متشکل از ترکیب خاصی از اراده (نسبت به رفتار)، خواستن (رفتار یا نتیجه) و آگاهی (نسبت به ماهیت و موضوع رفتار، شرایط یا نتیجه) و حتی گاهی یکی از آن‌ها است. واژه قصد در متون فقهی و منابع حقوقی داخلی نیز به تناسب اینکه در ارتباط با چه جزئی از رکن مادی به کار رفته باشد، در معانی متفاوتی آمده است. این واژه گاهی در معنای اراده، گاهی در معنای خواستن نتیجه، در خصوص قتل با عمل نوعاً کشنده در معنای آگاهی، در برخی موارد در مفهوم رکن معنوی متشکل از تمام اجزاء آن و بعضاً حتی به معنای نتیجه (عامداً فی فعله و عامداً فی قصده) به‌عنوان جزئی از رکن مادی نیز به کار رفته است (بنگرید به: قیاسی و دیگران، ۱۳۹۱، صص ۲۰۴، ۲۰۵-۲۰۸، ۲۲۳-۲۲۵، صادقی، ۱۳۹۴، صص ۱۷۷، ۱۷۹-۱۸۴-۱۸۵ و میر محمد صادقی، ۱۳۸۶، صص ۹۴، ۹۵، ۹۷، ۹۸، ۱۰۹ و آقای جنت‌مکان، ۱۳۹۳، صص ۲۸۱-۲۹۴ و اردبیلی، ۱۳۹۲، صص ۳۳۷-۳۵۳).

این ابهام و چندگانگی در مورد معنای اصطلاح «قصد» در اساسنامه دیوان نیز وجود دارد. همان‌گونه که برخی حقوقدانان نیز اظهار داشته‌اند قصد در بندهای مختلف ماده ۳۰ اساسنامه، دارای مفاهیم متفاوتی است. به نظر ایشان «قصد» و «آگاهی» در بند نخست در مفهوم عمومی

1. Basic intent.
2. Specific intent.

آن‌ها که اشاره به ارادی بودن و آگاهانه بودن دارد، به کار رفته‌اند. در حالی که منظور از قصد در قسمت‌های (الف) و (ب) بند (۲) ماده ۳۰ صرف اراده نیست (Slidregt, 2003: 47). این استنباط کاملاً درست است و یکی از ایراداتی که در ارتباط با کاربرد اصطلاح قصد، می‌توان به ماده ۳۰ اساسنامه دیوان وارد نمود، همین موضوع است؛ زیرا این ماده از واژه قصد برای بیان معانی متعدد و حتی متفاوتی استفاده نموده است. بند نخست ماده ۳۰ اساسنامه قصد را به مفهوم اراده و آگاهی را به معنای علم آورده است. در حالی که قصد انجام رفتار مندرج در قسمت (الف) بند (۲) به معنای صرف اراده در انجام رفتار نیست. بعلاوه در انتهای قسمت (ب) بند (۲) «آگاه بودن نسبت به اینکه نتیجه در پی رخدادهای معمول محقق می‌شود»^۱ را به معنای قصد نتیجه قلمداد نموده و همین عبارت را عیناً در بند ۳ تکرار نموده و آن را آگاهی نسبت به نتیجه دانسته است؛ از این رو می‌بینیم این ماده حتی قصد را در مفهوم خواستن یا آگاهی صرف نیز مورد استفاده قرار داده است.

بنابراین مفهوم قصد در اساسنامه دارای ماهیت و مفهومی مستقل نسبت به عناصر خواستن، اراده و آگاهی نیست و در واقع، بیانگر ترکیب‌های متفاوت این سه عنصر و یا حتی یکی از آن‌ها در حالت‌های مختلف است. از آنجا که واژه قصد در بندهای مختلف ماده ۳۰ اساسنامه، نسبت به هر یک از اجزاء سه‌گانه رکن مادی (رفتار، شرایط و نتیجه) متشکل از ترکیب خاصی از عناصر خواستن، اراده و آگاهی یا یکی از آن‌ها است، درک مفهوم قصد در اساسنامه مستلزم تعریف و شناخت این عناصر است.

اراده، قوه نفسانی مسبب حرکت جسمی است (نجیب حسنی، ۱۳۸۶، ۶۵). به عبارت دیگر اراده حالت ذهنی‌ای است که مرتکب به واسطه آن اعضاء خود را به حرکت در می‌آورد یا از انجام رفتار امتناع می‌کند؛ لذا اراده هم در فعل و هم در ترک فعل نقش دارد. این جزء از رکن

1. Awareness that a Consequence will occur in the ordinary course of events.

معنوی صرفاً در ارتباط با رفتار مرتکب معنا پیدا می‌کند و از همین رو همراهی شرایط و نتیجه مجرمانه با اراده فاقد موضوعیت است.

این امر که آیا آگاهی جزئی از اراده محسوب می‌شود یا خیر از دیرباز ذهن محققین و اندیشمندان را به خود مشغول کرده است. ارسطو عملی را ارادی می‌دانسته که فارغ از اجبار و با علم و آگاهی باشد (برنجکار، ۱۳۸۰: ۱۳۹). اراده در این معنا مترادف عمد است. به نظر می‌رسد ورود چنین مفاهیم و ادبیاتی به حوزه حقوق، مرزهای اراده، آگاهی و خواستن را کم‌رنگ نموده و باعث ایجاد اصطلاحاتی از قبیل قصد شده است؛ تا جایی که برخی آگاهی نسبت به رفتار را جزئی از اراده می‌دانند و برای اراده قائل به نقشی علاوه بر محرک رفتار بودن هستند (نجیب حسنی، ۱۳۸۶، ۶۳-۶۵)، اما تردیدی نیست هر یک از مقوله‌های اراده، آگاهی و خواستن دارای مفاهیم و مصادیق مستقلی است که در ذهن قابل تفکیک و تشخیص است و جداسازی این اجزاء از یکدیگر، تجزیه و تحلیل رکن معنوی جرایم را تسهیل می‌کند. در همین راستا برخی از حقوقدانان سوء نیت جزائی را متشکل از دو جزء اراده و علم نسبت به اجزای رکن مادی جرم دانسته‌اند و این دو را از هم تفکیک نموده‌اند (میرسعیدی، ۱۳۹۰: ۷۸). در فقه اسلامی نیز با تبیین دو اصطلاح «قصد فعل» و «قصد فعل انجام شده» این دو جزء از رکن معنوی از یکدیگر جدا شده و برای هر یک از این دو حالت مجازات‌های متناسب وضع شده است.

خواستن عبارت است از میل یا رضایت قلبی به انجام رفتار، ترک فعل یا تحقق نتیجه. بر همین اساس اگر مرتکب در ذهن خود رفتار یا نتیجه‌ای مجرمانه را بخواهد، ولی بنا به هر دلیلی نتواند خواست خود را به فعلیت درآورد عنصر خواستن وجود دارد، اما به دلیل فقدان رکن مادی و سایر اجزاء رکن معنوی، جرم محقق نمی‌شود. از طرف دیگر می‌توان فروضی را در نظر گرفت که شخص بنا به دلایلی از جمله اکراه فاقد میل قلبی و رضا نسبت به انجام رفتار یا تحقق نتیجه باشد، ولی نسبت به انجام ارادی رفتار مجرمانه اقدام نماید؛ بنابراین مفاهیم خواستن و اراده دارای تفاوتی اساسی است و خواستن در این مقاله مترادف رضایت مورد استفاده قرار گرفته است.

آگاهی^۱ به معنای «فهم یا اطلاع از یک واقعیت یا وضعیت» آمده است. انواع مختلفی از آگاهی احصاء شده که عبارت‌اند از؛ آگاهی واقعی به معنای آگاهی از منابع موثق، آگاهی مفروض^۲ در معنای مفروض دانستن آگاهی در مواردی که شخص با توجه به موقعیتی که دارد موظف به کسب برخی اطلاعات و آگاهی‌ها است، آگاهی ذهنی (شخصی) به معنای علم و اطلاعی که شخص مستقیماً به واسطه حواس خود به دست می‌آورد (Garner, 2000: 359). آگاهی در اساسنامه با مفهوم آگاهی شخصی مطابقت دارد و در تمامی قسمت‌های اساسنامه دارای مفهوم یکسانی است و نسبت به اصطلاح قصد، ابهام و اختلاف نظر کمتری در مورد آن وجود دارد.

۲-۱. جایگاه انگیزه در اساسنامه رم

انگیزه یا داعی عبارت است از مقصد نهایی که از طرف فاعل جرم تعقیب می‌شود و در واقع همان نفع یا ذوقی است که مجرم را به ارتکاب جرم سوق می‌دهد (علی‌آبادی، ۱۳۸۵: ۶۰). در حقوق جزا انگیزه در موارد زیادی از جمله در مرحله تعیین مجازات و اعمال تخفیف یا تشدید مجازات از اهمیت و نقش قابل‌اعتنایی برخوردار است، اما اصولاً جزئی از رکن معنوی جرم به حساب نمی‌آید. این اصل در اسناد و محاکم کیفری بین‌المللی دیگر نیز رعایت شده است. برای مثال در فرآیند تصویب کنوانسیون منع و مجازات نسل‌کشی مصوب ۱۹۴۸ این نظر که انگیزه نباید جزئی از رکن معنوی جرایم مندرج در آن کنوانسیون باشد مورد تصریح اعضا قرار گرفت. در رویه قضایی محاکم بین‌المللی نیز دیوان کیفری بین‌المللی روآندا در پرونده یکی از متهمین به نام راگیو، انگیزه را در تحقق جرم دخیل ندانست. در این پرونده با توجه به اینکه ثابت شده بود متهم قصد نابودی یک گروه قومی به نام توتسی‌ها را داشته، انگیزه‌های سیاسی و آرمان‌گرایانه‌ی وی مانع محکومیتش نشد (کریانگ ساک، ۱۳۸۷: ۸۸-۹۳).

1. Knowledge.

2. Imputed knowledge.

اصل مزبور مطابق ماده ۳۰ اساسنامه رم در خصوص جنایات در صلاحیت دیوان نیز مجری است و در صورتی که رفتار ارتكابی شخص با ارکان مادی و معنوی جرایم مندرج در اساسنامه منطبق باشد، اینکه متهم چه دلایل یا انگیزه‌هایی برای ارتكاب جرم داشته است، تأثیری در وقوع جرم ندارد، ولی برخی حقوقدانان بر این باورند که انگیزه در خصوص برخی جنایات در صلاحیت دیوان مؤثر است. به‌عنوان نمونه آن‌ها معتقدند در صورتی که مرتکب جرم تجاوز، دارای انگیزه‌های حقوق بشری باشد، این جرم محقق نمی‌شود و در نتیجه اگر کشوری با انگیزه‌های بشردوستانه برای جلوگیری از نقض شدید حقوق اساسی شهروندان کشوری دیگر به آن کشور حمله کند، فاقد رکن معنوی لازم برای تحقق جرم است (Leclerc and Byers, 2009: 379-387).

این دیدگاه از دو جهت اشتباه به نظر می‌رسد. یکی اینکه انگیزه، همان‌گونه که از ماده ۳۰ اساسنامه دیوان نیز برداشت می‌شود، جزئی از اجزاء تشکیل‌دهنده رکن معنوی جنایات در صلاحیت دیوان نیست و در هیچ جای اساسنامه به آن اشاره‌ای نشده است. از طرف دیگر منشور سازمان ملل راهکارهایی در خصوص حمله به کشوری که اقدام به نقض شدید حقوق شهروندان کند را تعیین نموده و در صورتی که اقدام به حمله به یک کشور در چارچوب منشور سازمان ملل باشد و با هدف نقض تمامیت ارضی و از بین بردن استقلال سیاسی کشورها صورت نگیرد، از مصادیق جرم تجاوز محسوب نمی‌شود (Vyver and Johan, D. 2011: 26). در نتیجه صرف انگیزه‌ها و اهداف بشردوستانه در اقدام خودسرانه کشوری به تجاوز به قلمرو سرزمینی سایر کشورها، زایل‌کننده وصف مجرمانه عمل آن کشور محسوب نمی‌شود.

مطلب دیگر اینکه، موارد متعددی در اساسنامه وجود دارد که خواستن نتیجه خاصی توسط مرتکب جزئی از رکن معنوی است، ولی حصول آن نتیجه در عالم واقع شرط تحقق آن جرم نیست. به‌عنوان نمونه می‌توان به این موارد اشاره نمود: قصد نابودسازی تمام یا بخشی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا دینی در جنایت نسل‌کشی مندرج در بند ۳ ماده ۶، قصد حفظ رژیم

سازمان یافته ستمگر و تسلط یک گروه نژادی بر گروه دیگر یا گروه‌های نژادی در جنایت علیه بشریت آپارتاید در بند (ی) (۱) ماده ۷، قصد تبعیض سیاسی، نژادی، ملی، مذهبی، قومی، فرهنگی، دینی، جنسیتی یا در هر زمینه‌ی دیگری در جنایت تعقیب مندرج در بند (ح) (۱) (۳) ماده ۷، قصد محروم کردن صاحبان اموال و استفاده از آن‌ها برای مصارف شخصی یا فردی در جنایت جنگی غارت مندرج در بند (۱۶) (ب) ماده ۸ یا بند (۵) (۵) (۲) (۳) ماده ۸. ممکن است گفته شود این موارد به دلیل عدم لزوم تحقق نتایج، سوءنیت خاص یا قصد نتیجه نیستند، بلکه انگیزه محسوب می‌شوند. در صورت پذیرش این نظر این موارد می‌توانند استثنائاتی بر قاعده کلی عدم تأثیر انگیزه در تحقق جرم باشند. ولی با توجه به اینکه قصد نتیجه در رکن معنوی ملازمه‌ای با حصول نتیجه در رکن مادی ندارد، می‌توان اظهار داشت که این اجزاء رکن معنوی، قصد نتیجه بوده و انگیزه محسوب نمی‌شوند.

۲. چگونگی مطابقت ارکان مادی و معنوی جنایات در صلاحیت دیوان

ماده ۳۰ اساسنامه دو جنبه از رکن معنوی ضروری برای تحقق جرم را تبیین کرده است. نخست سطح رکن معنوی؛ یعنی ماهیت و درجه‌ای از قصد و آگاهی مرتکب که برای وقوع جرم لازم است و دوم ارتباط عناصر رکن معنوی با اجزاء رکن مادی جنایات مندرج در اساسنامه (Kelt and Hebel, 2001, 28-35)، در این مبحث چگونگی ارتباط و مطابقت ارکان مادی و معنوی جرایم در صلاحیت دیوان را تشریح می‌کنیم.

جرم همانند سکه‌ای است که یک روی آن رکن مادی و روی دیگر آن رکن معنوی است. از همین رو گفته شده رکن مادی جرم بیانگر جنبه بیرونی رفتار مجرمانه و رکن معنوی بیانگر جنبه درونی آن است (Fletcher, 2007: 43). رکن مادی جرم به هر آنچه از شمول فعل وانفعال ذهنی مرتکب خارج و به نحوی دارای تجلی خارجی باشد، اطلاق می‌شود (آقایی‌نیا، ۱۳۸۴: ۲۴).

اساسنامه رم رکن مادی را متشکل از سه جزء رفتار، شرایط و نتیجه دانسته و به ضرورت همراهی این عناصر با قصد و آگاهی اشاره نموده، اما هیچ تعریفی از این عناصر ارائه نداده است. شناخت و جداسازی رفتار، شرایط و نتیجه، مخصوصاً در جرایمی که این عناصر به صورت کلامی با هم ترکیب شده‌اند یا نتیجه مجرمانه متصل به رفتار است و یا جرایمی که دربردارنده شرایط متعدد هستند، همیشه کار سهل و آسانی نیست.

همان‌طور که برخی حقوقدانان اظهار داشته‌اند در اغلب جنایات در صلاحیت دیوان بین اجزاء رکن مادی همپوشانی وجود دارد (Kelt and Hebel, 2001: 15). همپوشانی بین رفتار و نتیجه بیشتر در مورد جرایمی حادث می‌شود که فاصله زمانی کمی بین رفتار و نتیجه وجود دارد. در چنین جرایمی ممکن است آنچه ماهیتاً نتیجه است، رفتار قلمداد شود. این موضوع در پیش‌نویس اساسنامه با عبارت «از طریق رفتاری که موجب ایجاد سبب و نتیجه می‌شود» مورد اشاره قرار گرفته است (CLARK, 2001: 306). به نظر می‌رسد این عبارت به دنبال ارائه معیاری برای جداسازی رفتار از نتیجه است که در واقع همان وجود رابطه سببیت بین این دو است. در این باره می‌توان به جنایاتی در اساسنامه رم از قبیل ایجاد درد یا صدمه‌ی شدید بدنی، روانی یا جسمی به وسیله‌ی رفتار غیرانسانی اشاره نمود.^۱ در این موارد به وجود آمدن صدمات شدید یا حالتی که قادر به ایجاد صدمه شدید باشد، نتیجه‌ای است که در پی رفتار مرتکب حادث می‌شود.

پس از شناخت و تفکیک اجزاء رکن مادی هر یک از جنایات در صلاحیت دیوان، این امر بررسی می‌شود که در ارتباط با هر یک از اجزاء رکن مادی، وجود چه عناصری از رکن معنوی موضوعیت و ضرورت دارد؛ بنابراین این پرسش مطرح می‌شود که در مورد جنایات عمدی در صلاحیت دیوان که معمولاً دارای تمام اجزاء رکن مادی هستند، آیا لازم است تک تک اجزاء رکن مادی با قصد و آگاهی ارتکاب یابد یا خیر؟

۱. ماده (۱)۷(ک) اساسنامه رم.

پاسخ این پرسش را باید در ماده ۳۰ اساسنامه و سند عناصر جرایم جستجو نمود. ضرورت مطابقت و مقارنت رکن مادی با هر دو جزء قصد و آگاهی، از بند یک ماده ۳۰ اساسنامه قابل استنباط است. بند ۱ ماده ۳۰ مقرر داشته شخص در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که اجزاء رکن مادی به همراه قصد و آگاهی ارتکاب یافته باشد. با توجه به این بند ابتدائاً این گونه به نظر می‌رسد که کلیه اجزاء رکن مادی اعم از رفتار، شرایط و نتیجه باید با هر دو عنصر قصد و آگاهی ارتکاب یابد تا جرم محقق شود.

در جلسه کمیته مقدماتی کنفرانس رم مورخ فوریه سال ۱۹۹۷ میلادی، سرانجام تصمیم گرفته شد که در مورد هر جرمی هر دو عنصر قصد^۱ و آگاهی باید با هم جود داشته باشند. البته نه به آن معنا که هر جزء خاص رکن مادی باید به همراه «قصد» و «آگاهی» ارتکاب یابد (Piragoff and Robinson, 2008: 854). البته برخی از حقوقدانان بر خلاف نظر این کمیته معتقدند که امکان تحقق جرم با صرف آگاهی یا قصد وجود دارد. ایشان در تأیید نظر خود ارتکاب جرم به صورت معاونت را مثال می‌زنند و استدلال می‌کنند که در این شیوهی ارتکاب جرم، مرتکب صرفاً دارای آگاهی است و تحقق جرم مستلزم وجود قصد نیست و در نهایت به این نتیجه رسیده‌اند که می‌توان با تفسیر منطقی بجای تفسیر صرف ادبی بر این باور بود که در برخی موارد منطبقاً با اقتضا می‌کند، حرف ربط «و» در ماده ۳۰ اساسنامه رم (قصد و علم) به عنوان حرف ربط «یا» تعبیر شود (علم یا قصد) و از این رو در برخی موارد وجود یکی از این دو جزء رکن معنوی را برای تحقق جرم کافی دانسته‌اند (کسسه، ۱۳۸۷: ۲۱۶-۲۱۷). بر این نظر از دو حیث ایراد وارد است. نخست اینکه همان گونه که در مطالب ذیل قسمت مربوط به چندگانگی مفهوم قصد بدان خواهیم پرداخت قصد در ابتدای ماده ۳۰ اساسنامه رم در مفهوم ارادی آن به کار رفته و مشتمل بر اجزائی از جمله خواست نتیجه نمی‌شود و دیگر اینکه در مواردی مانند معاونت نیز بروز رفتار ارادی

1. Intent.

به صورت فعل یا ترک فعل شرط تحقق جرم است و صرف آگاهی نمی تواند رکن معنوی ارتکاب جرم باشد.

از سوی دیگر ضرورتی به وجود قصد و آگاهی در ارتباط با هر یک از اجزاء رکن مادی (رفتار، شرایط و نتیجه) وجود ندارد؛ زیرا با بررسی اجزاء رکن مادی معلوم می شود که اساساً منشأ صدور و وجود برخی از این اجزاء عواملی غیر از شخص مرتکب است. از این رو اصولاً انجام با اراده آن اجزاء توسط مرتکب موضوعاً منتفی است. برای مثال عنصر اراده در ارتباط با شرایط فاقد موضوعیت است، زیرا وجود و حدوث شرایط، ارتباطی با اراده مرتکب ندارد و صرفاً آگاه بودن مرتکب نسبت به شرایط لازم مندرج در قانون، لازمه تحقق جرم است؛ بنابراین وجود هر دو عنصر آگاهی و قصد در خصوص برخی اجزاء رکن مادی مانند شرایط، عقلاً و عملاً امکان پذیر نیست.

به علاوه با تدقیق در بند دوم مقدمه کلی سند عناصر جرایم^۱ و بندهای ۲ و ۳ ماده ۳۰ اساسنامه این امر به وضوح مشخص است که برای تحقق جرم نیازی به وجود هر دو عنصر آگاهی و قصد در ارتباط با هر یک از اجزاء رکن مادی نیست. بند دوم مقدمه کلی سند عناصر جرایم، چگونگی اعمال مقررات مربوط به رکن معنوی در ماده ۳۰ اساسنامه را تشریح می کند. بر اساس این بند: «هرگاه به موجب مقررات راجع به عناصر یک جرم خاص، رکن معنوی مرتبط با رفتار، شرایط یا نتیجه ی آن جرم، مشخص نشده باشد، این گونه برداشت می شود که رکن معنوی ذکر شده در ماده ۳۰ که همان قصد یا آگاهی یا هر دوی آنها است، می بایست در خصوص اجزاء رکن مادی اعمال شود. استثنائات استاندارد (معیار) ارائه شده در ماده ۳۰ اساسنامه، بر مبنای اساسنامه ... تعیین می شود».^۲

1. International Criminal Court, Elements of Crimes, U.N. Doc. PCNICC/2000/1/Add.2 (2000), p 1.

2. International Criminal Court, Elements of Crimes, U.N. Doc. PCNICC/2000/1/Add.2 (2000), p 1.

با توجه به عبارت «قصد یا آگاهی یا هر دوی آن‌ها» این امر به وضوح قابل استنباط است که همواره در مورد تمامی عناصر رکن مادی جرم، وجود هر دو جزء آگاهی و قصد لازم نیست، بلکه گاهی تحقق یکی از آن‌ها نیز کفایت می‌کند. از طرف دیگر مطابق قسمت (ب) بند (۲) ماده ۳۰ اساسنامه، صرف خواستن نتیجه یا آگاهی نسبت به آن، برای تحقق رکن معنوی مربوط به نتیجه کافی است و وجود هر دو جزء آگاهی و قصد یا خواستن لازم نیست. در مورد شرایط نیز در ابتدای بند (۳) ماده ۳۰ اساسنامه به وضوح مقرر شده رکن معنوی مربوط به شرایط، صرفاً آگاهی نسبت به آن است. البته وجود هر دو عنصر اراده و آگاهی در ارتباط با رفتار ضروری است ولی این الزام از طریق ادله دیگر قابل استنباط است. برخی حقوقدانان داخلی نیز در تأیید این نظر بر اساس بند ۲ ماده ۳۰ اساسنامه رم اظهار داشته‌اند؛ ضرورتی به همراهی هر یک از اجزای رکن مادی (رفتار، شرایط و نتیجه) با هر دو جزء قصد و آگاهی وجود ندارد (دیهیم، ۱۳۸۴: ۱۰۵).

در نتیجه، هر چند در مورد هر یک از جنایات در صلاحیت دیوان، رکن معنوی آن جرم به‌طور کلی باید متشکل از قصد و آگاهی باشد، اما برای تحقق جرم لازم نیست همه اجزاء رکن مادی به همراه قصد و آگاهی ارتکاب یابد.

۳. اجزاء رکن معنوی مربوط به رفتار، شرایط و نتیجه‌ی جنایات در صلاحیت دیوان
در این نوشتار به تأسی از رویکرد تحلیل عنصر محور جرم، اجزاء هر یک از ارکان مادی (رفتار، شرایط و نتیجه) و معنوی (اساسنامه این رکن را متشکل از قصد و آگاهی دانسته) جرم تفکیک می‌شود و سپس نحوه مقارنت و مطابقت آن‌ها با یکدیگر مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد، البته همان‌گونه که در مطالب پیشین گفته شد اساسنامه رم قصد را در معانی متفاوتی به کار برده و از آنجا که این جزء از رکن معنوی متشکل از اراده، آگاهی و خواستن و یا حتی یکی از آن‌ها است تحلیل اجزاء رکن مادی در مقایسه با این سه جزء انجام می‌شود.

۳-۱. اجزاء رکن معنوی مربوط به رفتار

رفتار مجرمانه عبارت است از فعل یا ترک فعل ممنوعی که در تعریف جرم، توصیف و برای آن مجازات مقرر شده است. پی بردن به اینکه چه فعل یا ترک فعل‌هایی رفتار مجرمانه جنایات در صلاحیت دیوان محسوب می‌شوند، همیشه آسان نیست، زیرا تعاریف اساسنامه معمولاً کلی و عام بوده و گستره وسیعی از رفتارها را در برمی‌گیرند. گفته شده بهترین معیار برای تفکیک عنصر رفتار از عناصر شرایط و نتیجه این است که رفتار را حرکت فیزیکی محض مرتکب، تعریف نماییم (Robinson and Grall, 1983: 719). در صورت پذیرش نظر اخیر، موضوع قابل تأمل در این ارتباط این است که اگر فعل یا ترک فعل مرتکب موجب حرکات دیگری شود و آن حرکات منجر به نتیجه شود،^۱ آیا آن حرکات جزء رفتار محسوب می‌شوند؟ و آیا علم به آن حرکات نیز لازم است؟

اساسنامه در اغلب موارد هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که منجر به نتیجه خاصی شود را جرم‌انگاری نموده است. در این موارد رفتار به تبع نتیجه شناخته می‌شود و بررسی جرم سیر معکوس به خود می‌گیرد. به عبارت دیگر در این جرایم از نتیجه به رفتار مجرمانه می‌رسیم. در این موارد بعد از تحقق نتیجه به دنبال این خواهیم بود که چه فعل یا ترک فعلی منجر به نتیجه شده است. در واقع در جرایم مقید با پیگیری رابطه علیت یا سببیت تلاش می‌کنیم رفتار ایجادکننده‌ی نتیجه را شناسایی کنیم و پس از پیدا کردن رفتاری که منجر به نتیجه گردیده به این پرسش پاسخ می‌دهیم که آیا آن رفتار با رکن معنوی لازم برای ارتکاب جرم همراه بوده است یا خیر. در این مورد می‌توان به برخی مصادیق جرم نسل‌کشی از جمله قتل، ایراد آسیب جدی جسمی و روانی و انتقال اجباری کودکان اشاره نمود.

۱. همانند شلیک موشک در فرض مطروحه در جدول مندرج در قسمت ۴-۲.

۳-۱-۱. اراده در انجام رفتار

قسمت الف بند (۲) ماده ۳۰ اساسنامه از اصطلاحات قصد و «بخواهد»^۱ استفاده نموده است. با در نظر گرفتن عبارت «شخص در خصوص رفتار در صورتی دارای قصد است که بخواهد آن رفتار را انجام دهد» تردیدی نیست که ضرورت وجود اراده در انجام رفتار، علاوه بر اینکه از اصول کلی حقوق جزا قابل استنباط است، از عبارت «بخواهد آن رفتار را انجام دهد» نیز برداشت می‌شود؛ زیرا منظور از عبارت «بخواهد» در این قسمت از ماده ۳۰ دست کم بیانگر اراده در انجام رفتار است. بعلاوه اینکه اراده در رفتار باعث ایجاد رابطه سببیت بین مرتکب و رفتارش نیز می‌شود و رفتاری که بدون اراده انجام شده باشد قابل انتساب به شخص نخواهد بود (میرسعیدی، ۱۳۹۰: ۱۵۴-۱۵۳). وضعیتی که شخص در آن فاقد اراده‌ی انجام رفتار است در حالت یک جدول مندرج در قسمت ۴-۲ تبیین شده است. از این رو مشخص است در صورت فقدان اراده حتی اگر تمام اجزاء دیگر ارکان مادی و معنوی جرم موجود باشد باز هم جرم تحقق نمی‌یابد.

۳-۱-۲. خواستن رفتار (رضایت نسبت به انجام رفتار)

منابع حقوق کیفری معمولاً خواستن، میل و رضای قلبی یا اختیار^۲ نسبت به انجام رفتار را جزئی از رکن معنوی به حساب نمی‌آورند و فقدان رضایت در انجام رفتار را - در قالب عناوینی از قبیل اکراه و تحت شروطی خاص - یا مانع یا رافع مسئولیت کیفری قرار می‌دهند یا اینکه بدون اشاره به موضوع مسئولیت کیفری، نداشتن رضایت را دفاعی قلمداد نموده‌اند که مرتکب با اثبات آن می‌تواند از مجازات تبرئه شود.

اساسنامه دیوان نیز با پذیرش اکراه با شرایط خاص - به عنوان یکی از دفاعیات متهم - رضایت نسبت به انجام رفتار را جزئی از رکن معنوی جرایم به حساب نیاورده است. قسمت دال بند یک

۱. Means to.

۲. در خصوص قرابت معنایی مفاهیم رضایت، خواست قلبی و اختیار و جایگاه آن‌ها در حقوق کیفری بنگرید به:

(میرسعیدی، ۱۳۹۰، ۱۳۵-۱۷۲).

ماده ۳۱ اساسنامه دیوان وجود اکراه را - تحت شرایطی - موجب معافیت از مسئولیت کیفری مرتکب دانسته است. این ماده مقرر داشته در صورتی که اقدام مرتکب اولاً تحت اکراه ناشی از یک تهدید قریب الوقوع به مرگ یا آسیب مهم بر تمامیت جسمانی خودش یا دیگری انجام شده باشد؛ ثانیاً بنا به ضرورت و به شکل معقولی برای رفع آن تهدید ارتکاب یافته باشد؛ و ثالثاً خسارت بیشتری از آنچه مدنظر بوده که از آن اجتناب شود را وارد ننموده باشد؛ مرتکب از نظر کیفری مسئول شناخته نمی شود؛ بنابراین به موجب اساسنامه خواستن (رضایت نسبت به) انجام رفتار از عناصر رکن معنوی به حساب نمی آید ولی در کنار شرایطی دیگر می تواند باعث معافیت مرتکب از مسئولیت کیفری شود.

دلیل اینکه می توان با استناد به ماده ۳۱ اساسنامه، استدلال نمود که رضایت نسبت به انجام رفتار جزئی از رکن معنوی نیست؛ این است که در اکراه؛ عقل، ادراک و اراده ی اکراه شونده زایل نمی شود (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۵: ۱۹۴) بلکه آنچه مخدوش می شود یا از بین می رود رضایت یا خواست قلبی مرتکب نسبت به انجام عمل است. حال اگر رضایت جزئی از رکن معنوی بود فقدان آن به تنهایی موجب عدم تکمیل رکن معنوی و به تبع آن، به هم نرسیدن جرم می شد و دیگر جرمی پدید نمی آمد تا نوبت به بررسی مسئولیت کیفری شخص و وجود سایر شرایط سه گانه مندرج در ماده ۳۱ برسد. توضیح بیشتر اینکه اساساً موضوع مسئول بودن یا نبودن مرتکب زمانی مطرح می شود که جرم واقع شده باشد؛ بنابراین ماده ۳۱ اساسنامه بر این امر دلالت دارد که در صورت فقدان رضایت جرم محقق می شود ولی اگر برخی شرایط دیگر وجود داشته باشد شخص فاقد مسئولیت کیفری است. در نتیجه رضایت یا خواست قلبی نسبت به انجام رفتار جزئی از رکن معنوی مربوط به رفتار محسوب نمی شود.

در فقه اسلامی و حقوق ایران نیز مسئولیت کیفری دارای وجودی مستقل از رکن معنوی است؛ کما اینکه منابع شرعی و قوانین کیفری ارتکاب جرم به همراه رکن معنوی توسط صغار و

مجانین را ممکن دانسته، درحالی که این اشخاص را که فاقد مسئولیت کیفری می‌داند. (میرسعیدی، ۱۳۹۰: ۶۲ و ۸۶).

۳-۱-۳. آگاهی نسبت به رفتار

لزوم آگاهی مرتکب نسبت به اینکه افعالش به وجود آورنده اجزاء رکن مادی، به‌ویژه، رفتار است در عصر حاضر دارای اهمیت و پیچیدگی بیشتری نسبت به سابق است؛ زیرا پیشرفت فناوری باعث ایجاد نوعی شکاف بین اجزاء مختلف رفتار به‌عنوان بخشی از رکن مادی شده است. توضیح بیشتر اینکه در انجام اقداماتی از جمله شلیک موشک یا بمب‌افکنی، فرآیند شلیک از زمان رفتار فیزیکی مرتکب تا زمانی که به نتیجه منجر شود به‌اندازه‌ای طول می‌کشد که از رفتار فیزیکی مرتکب مستقل می‌شود. از آنجا که این فرآیند جزء رکن نتیجه یا شرایط محسوب نمی‌شود و قسمتی از رکن رفتار مرتکب به‌حساب می‌آید، بحث در خصوص اینکه آیا آگاهی مرتکب نسبت به آن ضروری است یا خیر حائز اهمیت است.

در ارتباط با جنایات در صلاحیت دیوان، پرسش قابل طرح این است که آیا صرف اراده در انجام رفتار، برای تحقق این جنایات کفایت می‌کند یا وجود آگاهی نسبت به ماهیت و موضوع رفتار نیز لازم است. در این خصوص قسمت (الف) بند (۲) ماده ۳۰ اساسنامه مقرر داشته «شخص در خصوص رفتار در صورتی دارای قصد است که بخواهد آن رفتار را انجام دهد». باید دید منظور از این عبارت چیست. آیا منظور این است که شخص باید صرفاً حرکات بدنی و فیزیکی خود را با اراده انجام داده باشد و نیازی به علم به ماهیت رفتار و موضوع آن وجود ندارد؟ یا اینکه منظور از «آن رفتار» رفتار مجرمانه با ماهیت خاص، مشخصات و ویژگی‌های آن است.

به نظر می‌رسد عبارت «آن رفتار»^۱ در این بند نشانگر رفتاری است که با تمام جوانب آن جرم انگاری شده است. به بیانی دیگر عبارت «آن رفتار» در متن ماده ۳۰ معرفه بوده و اشاره دارد به اینکه اراده مرتکب نسبت به انجام رفتار باید به همراه آگاهی نسبت به موضوع و ماهیت رفتار

1. The conduct.

مجرمانه مصرح در اساسنامه باشد؛ بنابراین در این بند، عبارت «قصد» در ارتباط با رفتار متشکل از ترکیبی از اراده بعلاوه آگاهی نسبت به رفتار است.

این امر که آگاهی نسبت به رفتار چه جایگاهی در فرآیند ارتکاب جرم دارد به خوبی در مثال ۲ جدول مندرج در قسمت ۴ به نمایش گذاشته شده است. در تمام مثال‌های ارائه شده در این جدول، رفتار عبارت است از فشار دادن شاسی شلیک موشک. این رفتار از نظر فیزیکی در تمام مثال‌ها شبیه به هم است و تنها فرقی که در مثال‌ها و فروض مختلف مورد اشاره، وجود دارد تفاوت اجزاء رکن معنوی مرتکب است. در این مثال با وجودی که شخص شاسی شلیک موشک را با اراده فشار می‌دهد، اما نسبت به ماهیت رفتاری که در حال انجام آن است، آگاهی ندارد. شخص تصور می‌کند این کلید مربوط به باز نمودن دروازه پایگاه نظامی است و به همین دلیل هیچ آگاهی نسبت به رفتار ارتكابی خود و ماهیت آن ندارد.

در نتیجه در پاسخ به پرسش اخیر باید اظهار داشت صرف اراده در انجام رفتاری که منجر به نتیجه مورد تصریح در قانون شود کفایت نمی‌کند، بلکه شخص باید در زمان اراده انجام رفتار، به موضوع آن آگاهی داشته باشد (آقای نیا و زهروی، ۱۳۸۸، ۹-۱۰) و بداند که رفتارش دارای چه ماهیت و ویژگی‌هایی است. این تفسیر از عبارت «بخواهد آن رفتار را انجام دهد» به وسیله‌ی رویه‌ی قضایی شعب مقدماتی اول و دوم دیوان کیفری بین‌المللی با تأکید بر وجود قصد عام^۱، خواست آگاهانه^۲ یا قصد ابراز شده^۳ در زمان انجام عناصر مادی جرم توسط مرتکب، مورد تأیید قرار گرفته است (Finnin, 2012: 341). استفاده از چنین عباراتی در رویه قضایی نشانگر ضرورت وجود آگاهی نسبت به رفتار است.

1. Prosecutor v Lubanga Dyilo (Confirmation Decision) ICC/01/04-01/06, PT Ch I (29 January 2007) , para 351 (Lubanga Confirmation).
2. Prosecutor v Bemba Gombo (Confirmation Decision) ICC-01/05-01/08, PT Ch II (15 June 2009) para 358(Bemba Confirmation).
3. Prosecutor v Katanga and Ngudjolo Chui (Confirmation Decision) ICC-01/04-01/07, PT Ch I (30 September 2008) para 529 (Katanga Confirmation)

در همین راستا شعبه اول مقدماتی دیوان در پرونده لوپونگا^۱، مضمون را در صورتی دارای قصد نسبت به رفتار دانسته که: (۱) بداند افعال یا ترک فعل هایش به وجود آورنده اجزاء رکن مادی جرم مورد نظر است؛ و (۲) وی این افعال یا ترک فعل ها را با قصد قطعی ایجاد اجزاء رکن مادی جرم، انجام داده باشد (Badar, 2009: 438). عبارت «اجزاء رکن مادی» در بند یک دربرگیرنده رفتار، شرایط و نتیجه است؛ از این رو در این پرونده نیز بر لزوم آگاهی مرتکب نسبت به رفتار ارتكابی تأکید شده است.

با تمام این اوصاف و دلایل، همان گونه که برخی حقوقدانان به صورت ضمنی بدان اشاره نموده‌اند، عدم تصریح اساسنامه به موضوع آگاهی نسبت به رفتار، می‌تواند منجر به مشکلات عدیده‌ای در بررسی جرایم و احراز مجرمیت مضمونان شود (Badar, 2008: 480).

۳-۲. رکن معنوی مربوط به شرایط

شرایط توصیف‌کننده ویژگی‌های اشیاء، اشخاص، زمان و مکان ارتكاب جرم و وضعیت‌های دیگر مورد اشاره در قانون است که وجود آن‌ها لازمه تحقق جرم بوده و ممکن است به صورت ایجابی (ضرورت وجود شرط مثل تعلق قربانی به گروه‌های معین در جرم نسل‌کشی) یا سلبی (نظامی نبودن جمعیت مورد حمله در جنایت علیه بشریت) مورد تصریح مقنن قرار گیرد (میر محمدصادقی، ۱۳۸۶: ۲۵). به عبارت دیگر شرایطی که تغییر آن توسط رفتار مرتکب مقدور نیست، ولی شرط تحقق جرم است، شرایط ارتكاب جرم محسوب می‌شوند.

گفته شده شرایط صرفاً توصیفگر عناصر رفتار و نتایج هستند و از ماهیت مستقلی نسبت به این دو جزء رکن مادی برخوردار نیستند (Piragoff and Robinson, 2008: 852) ولی ایراد وارد به این نظر این است که گاهی شرایط مورد تصریح در قانون، توصیفگر هیچ‌یک از عناصر رفتار و نتیجه نیست و دارای وجودی مستقل نسبت به رفتار و نتیجه هستند. مثلاً غیرنظامی بودن مجنی‌علیه در جرم نسل‌کشی نه به رفتار مرتکب باز می‌گردد و نه به نتیجه حاصله. لذا همان گونه

1. Lubanga Decision on the confirmation of charges, *supra* note 1, paras. 331-332.

که برخی حقوقدانان اظهار داشته‌اند می‌توان قائل به این نظر شد که شرایط در واقع عبارت‌اند از وضعیت‌های اضافی (اعم از عینی یا حقوقی) که وجود آن‌ها در کنار رفتار و نتیجه، شرط تحقق جرم است (Eser, 2002B: 919).

این جزء از رکن مادی دارای موجودیتی مستقل از اراده و خواست مرتکب است. به عبارتی دیگر اراده مرتکب نقشی در شکل‌گیری شرایط لازم برای ارتکاب جرم ندارد و خواست مرتکب نسبت به ایجاد آن موضوعیتی ندارد؛ بنابراین آگاهی تنها جزء رکن معنوی است که وجود آن نسبت به شرایط، لازمه تحقق جرم است. اینکه آگاهی نسبت به چه شرایطی، برای تحقق جرم لازم است، بستگی به تعریف جرم و الزاماتی دارد که توسط اساسنامه مقرر شده است. در فرآیند رسیدگی به جنایات در صلاحیت دیوان، در ارتباط با «شرایط» به‌عنوان جزئی از رکن مادی جرایم، رعایت سه مرحله ضروری است. نخست باید این امر مشخص شود که مطابق مواد اساسنامه و سند عناصر جرایم وجود چه شرایطی لازمه تحقق جرم است. پس از آن باید معلوم شود که آیا آن شرایط در زمان ارتکاب جرم وجود داشته یا خیر و در نهایت در صورت وجود آن شرایط در عالم واقع، لازم است ثابت شود که مرتکب نسبت به وجود آن شرایط دارای آگاهی بوده است.

علاوه بر بند نخست ماده ۳۰ اساسنامه رم که به‌طور کلی به ضرورت وجود آگاهی نسبت به شرایط، اشاره دارد، بند (۳) ماده ۳۰ نیز به این امر تصریح نموده است. در ابتدای این بند مقرر شده: «آگاهی به معنای اطلاع داشتن^۱ از وجود شرایط است...». این جزء از رکن معنوی صرفاً در صورتی محقق می‌شود که مرتکب نسبت به وجود شرایط دارای علم و اطلاع کامل بوده و مواردی را که مرتکب نسبت به وجود شرایط شک و شبهه داشته باشد را در بر نمی‌گیرد. این امر در برخی محاکم کیفری بین‌المللی دیگر نیز رعایت شده است. برای نمونه دیوان کیفری بین‌المللی نورنبرگ در قضیه‌های ساخت و کراوخ بر همین اساس اقدام به اتخاذ تصمیم مبنی بر

1. Awareness.

تبرئه متهمین نمود؛ زیرا آنها نسبت به نقشه‌های تجاوزکارانه هیتلر آگاهی نداشتند (کسسه، ۱۳۸۷: ۲۰۲).

البته در برخی موارد بر ضرورت وجود علم و اطلاع کامل نسبت به شرایط، استثنائاتی وارد شده است. به عنوان نمونه بند ۴ مقدمه کلی سند عناصر جرایم در مورد مطابقت رکن معنوی با بعضی شرایط رکن مادی که مفهومی ارزشی دارند، قائل به استثناء شده است. مطابق این بند، در خصوص شرایطی از جمله «غیرانسانی» یا «شدید»^۱ بودن اقدام مرتکب که معنایی ارزشی دارند و از اجزاء ضروری رکن مادی برخی جنایات در صلاحیت دیوان هستند، «نیازی نیست که مرتکب شخصاً قضاوت صحیح و کاملی نسبت به آن مفاهیم در ذهن خود داشته باشد، مگر اینکه به نحو دیگری مقرر شده باشد».^۲ این قاعده در مواردی که وقوع نتیجه شدید شرط تحقق جنایت است، نیز رعایت می‌شود. توضیح بیشتر اینکه در این جنایات صرف آگاهی مرتکب نسبت به بروز صدمه کفایت می‌کند و نیازی نیست ثابت شود که مرتکب می‌دانسته صدمه شدید خواهد بود (دیپیم، ۱۳۸۴: ۱۰۷).

استثناء دیگر بر علم و اطلاع کامل از شرایط، در ارتباط با جنایت علیه بشریت مطرح می‌شود. مطابق ماده ۷ اساسنامه رم، در جنایت علیه بشریت وجود حمله سازمان یافته یا گسترده از شرایط تحقق جرم است، اما مطابق بند ۲ مقدمه جرم جنایت علیه بشریت در سند عناصر جرایم، برای اثبات این جرم لازم نیست مقام تعقیب ثابت کند که مرتکب نسبت به تمام خصوصیات و ویژگی‌های حمله و جزئیات دقیق آن، علم و اطلاع کامل داشته است. بلکه آگاهی مرتکب نسبت به اینکه حمله در چارچوبی گسترده یا سامانمند وجود دارد کفایت می‌کند (Robinson, 2001: 72-73).

1. "inhumane" or "severe".

2. International Criminal Court, Elements of Crimes, U.N. Doc. PCNICC/2000/1/Add.2 (2000).

در همین ارتباط دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق، در قضیه‌های تادیچ (بند ۲۴۸)^۱ و بلاشکیچ (بندهای ۲۴۷ و ۲۵۱)^۲ که متهم به ارتکاب جنایت علیه بشریت بودند، آگاهی کامل آن‌ها نسبت به جزئیات حمله را برای تحقق جنایت لازم ندانست (کسسه، ۱۳۸۷، ۹۸-۹۹). همچنین دکترین حقوقی، مواردی که متهم تشخیص دهد احتمال وجود شرایط زیاد است ولی به صورت خودخواسته و به دلیل تمایل به انکار آگاهی، از به دست آوردن نتیجه‌گیری نهایی در مورد آن سر باز زند را در حکم آگاهی کامل از نتیجه دانسته‌اند (Finnin, 2012, 350).

۳-۳. اجزاء رکن معنوی مربوط به نتیجه

عنصر نتیجه به شرایطی اطلاق می‌شود که تغییر یا ایجاد آن به موجب رفتار مجرمانه مرتکب، لازمه تحقق جرم است. نتیجه همان آثار مصرح در قانون است که لازم است از رفتار مرتکب به وجود آید. نتایج مورد تصریح در جنایات مندرج در اساسنامه رم به دو دسته قابل تقسیم هستند. در برخی ایجاد یک نتیجه کامل مثل سبب مرگ شدن و در برخی دیگر خلق یک حالت از صدمه یا خطر ایجاد صدمه، مانند به خطر انداختن سلامتی یا امنیت، لازمه ارتکاب جرم است (Piragoff and Robinson, 2008: 852). بدیهی است اراده درونی مرتکب رابطه‌ی مستقیمی با نتیجه ندارد و این دو به واسطه رفتار، رابطه‌ای غیرمستقیم با هم دارند؛ از این رو اراده در ارتباط با نتیجه موضوعیتی ندارد و قصد نتیجه، به فعل و انفعالات ذهنی اطلاق می‌شود که مرتکب به موجب آن تحقق نتیجه خاصی را خواسته باشد.

البته برخی کشورها در بعضی موارد معیار پیش‌بینی^۳ یا آگاهی نسبت به وقوع نتیجه را نیز در حکم خواستن نتیجه قلمداد نموده‌اند. این معیار در فرضی محقق می‌شود که شخص نتیجه را

1. Tadic.
2. Blaskic.
3. Foresight Test.

نخواستہ باشد ولی آگاہ باشد کہ با انجام عملش نتیجہ واقع می‌شود. در این ارتباط می‌توان بہ عبارت‌های «قصد مستقیم درجہ دو»^۱ در کشور آلمان و «قصد غیر مستقیم»^۲ در کشور انگلیس (Slidregt, 2012: 46) و تأسیس «علم بہ نوعاً کشنده بودن عمل» در فقہ اسلامی و قانون مجازات اسلامی اشارہ نمود.

مطابق قسمت‌های (الف) و (ب) بند (۲) مادہ ۳۰ اساسنامہ رم اجزاء رکن معنوی مربوط بہ نتیجہ عبارت‌اند از خواستن نتیجہ و آگاهی نسبت بہ اینکہ نتیجہ در پی رخداد‌های معمول واقع می‌شود؛ بنابراین وجود یکی از دو حالت ذهنی خواست نتیجہ یا آگاهی نسبت بہ ایجاد آن در پی رخداد‌های معمول، برای تحقق این جزء از رکن معنوی کفایت می‌کند و ضرورتی بہ اینکہ مرتکب ہم نتیجہ را خواسته و ہم نسبت بہ بروز آن آگاهی داشته باشد، وجود ندارد.

۳-۳-۱. خواستن نتیجہ

مطابق ابتدای قسمت (ب) بند (۲) مادہ ۳۰ اساسنامہ رم، شخص در ارتباط با نتایج، در صورتی دارای قصد است کہ «بخواهد آن نتیجہ را بہ وجود آورد».^۳ منظور از این عبارت این است کہ شخص خواهان ایجاد نتیجہ بہ واسطہ رفتار خود باشد. در اینجا خواستن ایجاد نتیجہ بہ مفهوم ارادہ نتیجہ نیست، بلکہ بہ مفهوم خواست قلبی یا رضایت مرتکب بہ تحقق نتیجہ در اثر رفتارش هست. از این رو قصد در این قسمت مادہ ۳۰ اساسنامہ رم، فاقد عناصر ارادہ و آگاهی بوده و صرفاً بہ مفهوم خواستن نتیجہ اشارہ دارد.

موضوع بسیار مهمی کہ در ارتباط با خواستن نتیجہ باید لحاظ شود این است کہ در بعضی جرایم خواستن نتیجہ شرط تحقق جرم است، در حالی کہ وقوع عینی و عملی نتیجہ در عالم واقع نقشی در ارتکاب جرم ندارد و این دو اساساً هیچ ملازمه‌ای با ہم ندارند؛ بنابراین نباید وجود چنین جزئی از رکن معنوی را بہ منزله لزوم تحقق نتیجہ در عالم خارج دانست. بہ بیان دیگر،

1. *Dolus Directus* second degree.
2. Oblique intent.
3. That person means to cause that consequence.

اساسنامه دیوان در برخی جرایم، خواستن نتیجه‌ی خاصی را توسط مرتکب لازم دانسته، ولی تحقق آن نتیجه را در عالم واقع شرط ارتکاب جرم تلقی ننموده است. برای مثال مطابق ماده ۶ اساسنامه رم، در جرم نسل‌کشی، قصد نابودی تمام یا قسمتی از یک گروه قومی، ملی، نژادی یا مذهبی جزئی از رکن معنوی است. در حالی که نابودی تمام یا قسمتی از آن گروه معین در عالم واقع نتیجه لازم ارتکاب جرم نبوده و شرط تحقق جرم نیست. از سوی دیگر از بین رفتن تعداد زیادی از اعضاء گروه معین در نتیجه اعمال متهم، دلیلی قطعی مبنی بر اینکه وی قصد نابودی تمام یا قسمتی از آن گروه را داشته، به حساب نمی‌آید. این موضوع مورد اتباع دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق نیز قرار گرفته است. در قضیه گوران جلیسیک^۱ به‌رغم اینکه متهم تعداد زیادی از مسلمانان را قتل عام یا شکنجه کرده و حتی خود را هیتلر نامیده بود، دیوان مزبور وی را به نسل‌کشی محکوم نکرد؛ زیرا قضات دیوان قصد خاص مرتکب مبنی بر از بین بردن تمام یا قسمتی از مسلمانان را احراز نکردند و به این نتیجه رسیدند که اقدامات متهم با هدف پاک‌سازی قومی نبوده است (دیهم، ۱۳۸۴: ۱۳۵).

البته در مورد قتل که یکی از مصادیق جرم نسل‌کشی است، ممکن است گفته شود، نظر به لزوم کشته شدن دسته کم یک نفر در این مصداق، تحقق نابودی قسمتی از گروه علاوه بر خواستن آن، شرط تحقق جرم است. ولی باید اظهار داشت که لزوم کشته شدن حداقل یک نفر از گروه موصوف، به خواستن نابودی تمام یا قسمتی از آن گروه بر نمی‌گردد، بلکه به خود عبارت قتل در بند (الف) ماده مذکور اشاره دارد و دیگر اینکه حتی در خصوص مصداق قتل هم می‌توان استدلال نمود کشته شدن یک نفر نمی‌تواند به مفهوم از بین بردن قسمتی از یک گروه باشد. بعلاوه در مورد مصادیق دیگر جرم موصوف از قبیل ایراد صدمه شدید جسمی یا روحی، انتقال اجباری اطفال و غیره، از بین رفتن تمام یا قسمتی از گروه در عالم واقع شرط تحقق جرم نیست؛ لذا در این جرم تحقق نتیجه‌ی نابودی تمام یا قسمتی از گروه معین به‌عنوان جزئی از رکن مادی

1. Goran Jelusic.

لازم نیست، در صورتی که خواستن این نتیجه به عنوان قسمتی از رکن معنوی شرط تحقق جرم است. در این ارتباط شعبه بدوی دیوان کیفری بین‌المللی روآندا در قضیه آکایسو^۱ (بند ۵۲۱ رأی) چنین ابراز عقیده نمود که امکان ارتکاب جنایت نسل‌کشی حتی با انجام یک فعل ممنوعه و علیه یک عضو از یک جمعیت وجود دارد (کسسه، ۱۳۸۷، ۱۲۴).

۳-۳-۲. آگاهی نسبت به ایجاد نتیجه در پی رخدادهای معمول

انتهای قسمت (ب) بند (۲) ماده ۳۰ اساسنامه فرضی که شخص نتیجه خاصی را نخواسته باشد، ولی نسبت به تحقق آن نتیجه به دنبال رخدادهای معمول آگاه باشد را به منزله خواستن نتیجه قلمداد نموده است. این جزء از رکن معنوی تقریباً معادل اصطلاح قصد تبعی یا قصد غیر مستقیم^۲ در نظام حقوقی کامن‌لا است.

معیار آگاهی در این بند شخصی است. آگاهی نسبت به نتیجه صرفاً در صورتی محقق می‌شود که مرتکب از بروز آن علم و اطلاع کامل داشته باشد. بر این اساس در صورتی که مرتکب خواهان تحقق نتیجه نباشد و تصور کند احتمال وقوع نتیجه در پی رخدادهای معمول اندک است، این جزء از رکن معنوی شکل نمی‌گیرد. بر همین اساس شعبه‌ی مقدماتی دوم در پرونده‌ی بمبا^۳، مقرر نموده متهم باید آگاه باشد که ارکان مادی تقریباً به‌طور قطعی به دنبال رخدادهای معمول و در نتیجه اعمال یا ترک فعل‌های او واقع می‌شود (Finnin, 2012: 330).

دیوان کیفری بین‌المللی روآندا نیز در قضیه کامباند^۴ آگاهی نسبت به تحقق نتیجه به همراه ترک فعل را برای وقوع جرم کافی دانست. در این پرونده متهم به عنوان نخست‌وزیر روآندا،

1. Akayesu.
 2. Oblique intent.
 3. Bemba Confirmation, para 359; and Lubanga Confirmation, paras 351-2; and Katanga Confirmation para 530.
 4. Kambanda.

به‌رغم آگاهی از وقوع قتل‌عام‌ها تلاشی جهت توقف آن انجام نداده بود و از این‌رو به ارتکاب جرم نسل‌کشی محکوم شد (کریانگ ساک، ۱۳۸۷، ۸۸).

عبارت «نتیجه به دنبال رخداد‌های طبیعی (معمول) محقق شود» ابهامات زیادی دارد (Cryer, 2007: 320). برای مثال می‌توان فرضی را تصور نمود که مرتکب مدعی است نتیجه را نمی‌خواسته و نسبت به تحقق آن آگاهی نداشته و انتظار داشته واقعه‌ای میانجی - که نوعاً غیرمعمول است ولی مرتکب آن را معمول می‌پنداشته - اتفاق بیفتد و نتیجه محقق نشود. در چنین وضعیتی مرتکب، امید و انتظار وقوع اتفاقی را داشته که آن اتفاق بتواند مانع تحقق نتیجه شود. ولی آنچه مرتکب بدان امیدوار بوده نوعاً غیرمعمول به حساب می‌آید؛ مانند اینکه مرتکب افراد غیرنظامی را در منطقه‌ای متروکه بدون آب و غذا حبس نماید و امیدوار باشد که آن اشخاص توسط نیروهای نظامی طرفدارشان یافته شوند و نجات یابند. در این فرض تشخیص اینکه آیا مرتکب نسبت به وقوع نتیجه آگاهی داشته یا خیر مشکل است. مثال مشابه دیگری که در این ارتباط می‌توان تصور نمود این است که مرتکب می‌دانسته پس از شلیک موشک به محل غیرنظامیان همه آن‌ها کشته می‌شوند، ولی نمی‌خواسته چنین اتفاقی بیفتد و تصور می‌کرده که قبل از انفجار به اشخاص الهام می‌شود که آن محل را ترک کنند و به این دلیل احتمال می‌داده آن‌ها آنجا را ترک کنند و کشته نشوند. در چنین فروضی نظر به اینکه عواملی که مرتکب انتظار دارد آن‌ها مانع تحقق نتیجه شوند بسیار غیرمحمتمل است و از طرف دیگر از آنجا که مطابق معیار «تحقق به دنبال روند معمول رخدادها» مرتکب می‌دانسته در صورت عدم وقوع چنین اتفاقات غیرمعمولی نتیجه حادث می‌شود، رکن معنوی لازم برای تحقق جرم موجود است.

بنابراین اگر حوادث مورد انتظار مرتکب بعید و کاملاً غیرمعمول باشد، پذیرش چنین دفاعی از وی منطقی نیست. از این‌رو این معیار با معیار «ضرورت وجود اطمینان نسبت به وقوع نتیجه» متفاوت است؛ زیرا در معیار اخیر اگر ثابت شود مرتکب حصول نتیجه را - حتی با تصور مداخله

عوامل کاملاً غیرمعمول - قطعی نمی دانسته، تبرئه می شود. ولی در معیار مندرج در ماده ۳۰ عدم اطمینان اگر مستند به وقایع بعید باشد، نمی تواند منجر به تبرئه فرد شود.

برخی نویسندگان بر این باورند که معیار آگاهی نسبت به «تحقق نتیجه به دنبال روند معمول رخدادها» هم سطح غفلت شدید است (دیهم، ۱۳۸۷: ۹۸). این در حالی است که در غفلت، حتی در حالات شدید آن، مرتکب اساساً وقوع نتیجه را در ذهن خود پیش بینی نمی کند و دلیل مسئولیت او این است که اگر شخص متعارفی در موقعیت او بود می توانست آن نتایج را پیش بینی کند (معیار نوعی)؛ بنابراین نظر به اینکه شرط تحقق جنایات در صلاحیت دیوان، آگاهی واقعی مرتکب نسبت به بروز نتایج به دنبال وقایع معمول است، این معیار رکن معنوی (معیار شخصی) با غفلت تفاوت دارد و هم سطح نیست.

در نتیجه می توان به دو امر اشاره نمود. نخست همان گونه که برخی نویسندگان نیز اظهار داشته اند، مرتکب باید مطمئن باشد نتیجه در پی رخدادهای معمول حتماً واقع می شود؛ از این رو وجود احتمال و حتی ظن قوی در ذهن مرتکب، برای تحقق این جزء از رکن معنوی کفایت نمی کند؛ زیرا قسمت (ب) بند ۲ ماده ۳۰ اساسنامه مقرر داشته «اتفاق می افتد»^۱ نه «شاید اتفاق بیفتد»^۲ و این به معنای لزوم قطعیت آگاهی مرتکب نسبت به تحقق نتیجه است (Triffterer, 2003: 706). دیگر اینکه اگر عدم قطعیت ذهنی مرتکب، بنا به تصور وقوع حوادث کاملاً غیرمعمول بوده باشد و شرایط به گونه ای بوده که مرتکب می دانسته در پی رخدادهای معمول نتیجه واقع می شود، باز هم رکن معنوی مندرج در این بند محقق می شود.

1. Will occur.
2. Might occur.

۴. ارتباط اجزاء ارکان مادی و معنوی در جرم قتل به‌عنوان یکی از مصادیق جنایت

علیه بشریت

هر یک از جنایات در صلاحیت دیوان دارای بندهای متعدد و مصادیق متفاوت و زیادی است. به‌نحوی که متن پیش‌نویس نهایی در مورد عناصر جرایم، بر اساس بندهای مختلف مواد ۶ (نسل-کشی)، ۷ (جنایت علیه بشریت) و ۸ (جنایت جنگی) اساسنامه دیوان، عناصر بیش از ۹۰ مصداق متفاوت از این جرایم را تشریح نموده است (شبث، ۱۳۸۴: ۲۹۵-۳۲۹). از آنجا که بررسی ارکان مادی و معنوی تمام این جرایم در این مقاله امکان‌پذیر نیست ناگزیریم یک مصداق خاص از این جرایم را تجزیه و تحلیل کنیم.

بنابراین در این قسمت برخی وضعیت‌های متفاوت رکن معنوی جرم قتل به‌عنوان یکی از مصادیق جنایت علیه بشریت، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و هر یک از این وضعیت‌های مختلف رکن معنوی در جداول جداگانه مطرح می‌شود. در تمام مثال‌ها اجزاء رکن مادی یکسان است و تنها اجزاء رکن معنوی مرتکب، متفاوت فرض می‌شود. پس از شرح فعل و انفعالات ذهنی مرتکب در ارتباط با جرم واقع شده، ماهیت و ارتباط عناصر مختلف رکن معنوی با هر یک از اجزاء رکن مادی تبیین می‌شود و تأثیر فقدان هر یک از اجزاء رکن معنوی در تحقق جرم بررسی می‌شود.

به‌موجب ماده ۷ اساسنامه رم «منظور از جنایات علیه بشریت در این اساسنامه هر یک از اعمال مشروحه ذیل است، هنگامی که در چارچوب یک حمله گسترده یا سازمان‌یافته بر ضد یک جمعیت غیرنظامی و با علم به آن حمله ارتکاب یابد: الف: قتل». در این مصداق معین از جنایت علیه بشریت (قتل)، رفتار عبارت است از اقدامی که منجر به کشته شدن انسان شود. وجود حمله سازمان‌یافته یا گسترده و غیر نظامی بودن قربانیان شرایط ارتکاب جرم محسوب می‌شوند. کشته شدن قربانی نیز نتیجه لازم برای تحقق این جرم است. فرض مورد نظر این است که شخصی در جریان یک حمله سازمان‌یافته یا گسترده علیه گروهی از افراد غیر نظامی شاسی شلیک یک

موشک را فشار داده و آن موشک به منطقه‌ای اصابت کرده که تعداد زیادی از افراد غیر نظامی متعلق به آن گروه در آنجا، کشته شده‌اند. حال با توجه به این فرض سطوح مختلف احتمالی فعل و انفعالات ذهنی مرتکب را طبقه‌بندی می‌کنیم.

در این جدول حروف (ا)، (آ) و (خ) به ترتیب مخفف اراده، آگاهی و خواستن است. (م) نیز به معنای این است که آن جزء از رکن معنوی ارتباطی قانونی با آن جزء خاص رکن مادی ندارد موضوعیت و نقشی در ارتباط و تحقق جرم ندارد. (+) به معنای وجود و (-) به معنای نبود آن جزء خاص رکن معنوی در فرض مطروحه است.

مرتکب نسبت به وجود کلیه شرایط آگاهی داشته و می‌دانسته فشار شاسی دارای چه ماهیتی است و از وقوع نتیجه به دنبال رخدادهای عادی آگاهی داشته است. ولی اراده‌ای برای فشار به شاسی شلیک نداشته و خواهان تحقق نتیجه نیز نبوده است و این اقدام را در اثر اجبار شخصی دیگر انجام داده که دست وی را به زور روی دکمه شلیک گذاشته و پس از آن شلیک صورت گرفته است.										شلیک	=
نتیجه			شرایط			رفتار			مادی	اجزاء ارکان	
(خ)-	(آ)+	م(ا)	(خ)م	(آ)+	م(ا)	(خ)م	(آ)+	(ا)-	معنوی		

در فرض فوق تمامی اجزاء رکن معنوی لازم برای تحقق جرم، به استثنای اراده، وجود دارد، اما به لحاظ فقدان اراده مستنداً به قسمت (الف) بند (۲) ماده ۳۰ اساسنامه رم، جرم محقق نمی‌شود.

شخص شاسی شلیک را با اراده خود فشار داده، اما نمی دانسته این دکمه مربوط به شلیک موشک است و تصور می نموده دکمه مزبور مربوط به بازگشایی یکی از دروازه های پایگاه نظامی است.										توصیف	۲۲
نتیجه			شرایط			رفتار			مادی		
(خ) -	(آ) -	م(ل)	م(خ)	(آ) -	م(ل)	م(خ)	(آ) -	(ل) +	معنوی	اجزاء ارکان	

در این مثال به دلیل فقدان آگاهی نسبت به رفتار، شرایط و نتیجه، رکن معنوی مرتکب کامل نبوده و حتی در صورت وجود همه شرایط به استثنای آگاهی نسبت به رفتار، با توجه به قسمت (الف) بند (۲) ماده ۳۰ اساسنامه رم و استدلالات مطروحه در قسمت آگاهی نسبت به رفتار، جرم محقق نمی شود.

شخص شاسی شلیک را با اراده خود فشار داده و می دانسته که این شاسی مربوط به شلیک موشک است و به تمام شرایط نیز علم داشته، ولی تصور می کرده این موشک به منطقه ای اصابت می کند که محل استقرار افراد نظامی طرف متخاصم است و این احتمال را نمی داده که ممکن است این موشک به منطقه مورد نظر در فرض مسئله اصابت کند.										توصیف	۳۳
نتیجه			شرایط			رفتار			مادی		
(خ) -	(آ) -	م(ل)	م(خ)	(آ) +	م(ل)	م(خ)	(آ) +	(ل) +	معنوی	اجزاء ارکان	

در این فرض به دلیل فقدان خواستن نتیجه و نبود آگاهی نسبت به اینکه نتیجه در پی رخدادهای معمول واقع می‌شود، بر اساس قسمت (ب) بند (۲) ماده ۳۰، رکن معنوی مرتکب کامل نیست و جرم محقق نمی‌شود.

شخص شاسی شلیک را با اراده خود فشار داده و می‌دانسته که این شاسی مربوط به شلیک موشک است و این موشک به منطقه‌ای اصابت می‌کند که محل اقامت تعداد زیادی از افراد غیرنظامی است. دیگر اینکه مرتکب از وجود شرایط نیز مطلع بوده ولی خواهان کشتن آن افراد نبوده و فقط با هدف تخریب تأسیسات آن منطقه شلیک نموده است. باین وجود آگاهی داشته که به دنبال وقایع معمول موشک به محل مورد نظر اصابت می‌کند و اشخاص غیرنظامی کشته خواهند شد.										۳۰	۴
نتیجه			شرایط			رفتار			قادی		
(خ) -	(آ) +	م (ل)	(خ) م	(آ) +	م (ل)	(خ) م	(آ) +	(ل) +	معنوی		

در این فرض تمام اجزاء رکن معنوی موجود بوده و جنایت علیه بشریت از طریق قتل محقق می‌شود.

۵. برآمد؛

هرچند تفاوت دیدگاه‌های تنظیم‌کنندگان اساسنامه - که عمدتاً ناشی از تفاوت نظام‌های حقوقی کشورهای متبوع آنها است - خلأها و نقایص بسیاری را در مقررات مربوط به رکن معنوی جنایات مندرج در اساسنامه ایجاد کرده، اما باین وجود، تردیدی نیست که تصویب چنین مقرراتی، صرف‌نظر از اینکه در اسناد بین‌المللی بدون سابقه و راهگشا بوده، افق‌های جدیدی نیز به روی این حوزه از حقوق بین‌الملل کیفری گشوده است. ابتکاراتی از جمله تفکیک اجزاء

ارکان مادی و معنوی و تبیین مفاهیم این اجزاء و ارتباط آن‌ها با یکدیگر، می‌تواند سرآغاز تغییرات مفید قابل اعتنایی در ادبیات داخلی و بین‌المللی حقوق کیفری باشد.

اغلب آثاری که به بررسی موضوع رکن معنوی در اساسنامه رم پرداخته‌اند به پیروی از ظاهر ماده ۳۰ اساسنامه، رکن معنوی جنایات در صلاحیت دیوان را متشکل از دو جزء قصد و آگاهی یا دو جنبه ارادی و آگاهانه بودن دانسته و بر این پایه به تبیین مطالب مربوط به آن پرداخته‌اند. این در حالی است مواد اساسنامه رم و سند عناصر جرایم گویای این است که اصطلاح قصد، در اساسنامه و اسناد مرتبط با آن در معانی متفاوتی آورده شده است. این اصطلاح در اساسنامه بیانگر ترکیب‌های متفاوت سه عنصر خواستن، اراده و آگاهی و یا حتی یکی از آن‌ها است؛ بنابراین به‌طور کلی رکن معنوی جنایات در صلاحیت دیوان از سه قسمت اراده، آگاهی و خواستن تشکیل یافته است که هر یک از این اجزاء دارای مفاهیم و مصادیق مستقلی در ذهن و قابل تفکیک و تشخیص است. با توجه به اساسنامه رم و اسناد مرتبط با آن هر یک از این اجزاء را می‌توان این‌گونه تعریف نمود: اراده به معنای حالت ذهنی‌ای است که مرتکب به‌واسطه آن اعضاء خود را به حرکت در می‌آورد یا از انجام رفتار امتناع می‌کند، خواستن به معنای میل یا رضایت قلبی به انجام رفتار، ترک فعل یا تحقق نتیجه است و آگاهی در معنای آگاهی شخصی، عبارت است از علم و اطلاعی که شخص مستقیماً به‌واسطه حواس خود به دست می‌آورد.

برای تبیین رکن معنوی جنایات عمدی در صلاحیت دیوان، این اجزاء باید از یکدیگر جدا و سپس هر یک از آن‌ها در ارتباط با عناصر رکن مادی (رفتار، شرایط و نتیجه) تجزیه و تحلیل شوند؛ بنابراین در مورد هر یک از اجزاء رکن مادی نتایج ذیل حاصل شد:

۱. بر اساس اصول کلی حقوق جزا و بند (۲) ماده ۳۰ اساسنامه وجود اراده در ارتکاب رفتار لازم است، اما خواستن یا رضایت نسبت به انجام رفتار مطابق بند (۱) ماده ۳۱ اساسنامه جزئی از رکن معنوی جنایات عمدی در صلاحیت دیوان به شمار نمی‌رود. آگاهی نسبت به موضوع

رفتار و ماهیت آن نیز مطابق قسمت (الف) بند (۲) ماده ۳۰ اساسنامه و رویه قضایی شعب مقدماتی اول و دوم دیوان کیفری بین‌المللی و اصول کلی حقوق جزا، جزئی از رکن معنوی بوده و برای تحقق جرم لازم است؛ به‌ویژه در مواردی که رفتار صرف فیزیکی مرتکب، ایجادکننده فرآیندی است که آن فرآیند از حیث زمانی و مکانی از رفتار فیزیکی اولیه فاصله می‌گیرد و در نهایت منجر به وقوع نتیجه می‌شود.

۲. شرایط به‌عنوان جزئی از رکن مادی دارای موجودیتی مستقل از رفتار و نتیجه مجرمانه است و ارتباطی با اراده و خواست مرتکب ندارد. مطابق بند (۳) ماده ۳۰ اساسنامه صرف آگاهی مرتکب نسبت به وجود آن برای تحقق جرم کافی است. البته در برخی موارد وجود آگاهی کامل نسبت به شرایط لازم نیست. برای نمونه مطابق بند ۴ مقدمه کلی سند عناصر جرایم، در مواردی که شرایط دارای مفهومی ارزشی هستند علم و اطلاع کامل مرتکب نسبت به آن ضرورت ندارد.

۳. با توجه به اینکه نتیجه به‌واسطه رابطه سببیت از رفتار مجرمانه جدا می‌شود، وجود اراده در مورد این جزء از رکن مادی نیز موضوعیتی ندارد. بر اساس قسمت‌های (الف) و (ب) بند (۲) ماده ۳۰ اساسنامه رم مرتکب در صورتی دارای رکن معنوی مربوط به نتیجه هست که نتیجه را خواسته باشد یا نسبت به اینکه نتیجه در پی رخدادهای معمول واقع می‌شود، آگاهی داشته باشد. معیار «وقوع نتیجه در پی رخدادهای معمول» با معیار «ضرورت وجود اطمینان نسبت به وقوع نتیجه» متفاوت است؛ زیرا در معیار اخیر اگر مرتکب بنا بر هر دلیلی نسبت به وقوع نتیجه آگاهی نداشته باشد این جزء از رکن معنوی به وجود نمی‌آید. در صورتی که مطابق معیار مندرج در اساسنامه اگر تردید مرتکب نسبت به وقوع نتیجه مستند به حدوث وقایع غیر معمول باشد باز هم رکن معنوی آگاهی نسبت به وقوع نتیجه موجود است.

از آنجا که تحلیل رکن معنوی تمام مصادیق مجرمانه مندرج در مواد ۶، ۷ و ۸ اساسنامه رم در این مقاله مقدور نبود صرفاً جرم قتل به‌عنوان یکی از مصادیق جنایت علیه بشریت، با تبیین حالات

مختلف رکن معنوی و با استفاده از رویکرد تحلیل عنصر محور، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. هدف از تحریر قسمت اخیر این بود که با جداسازی اجزاء مختلف ارکان مادی و معنوی جرم موصوف، ضمن تبیین رکن معنوی آن جرم و چگونگی ارتباط اجزاء رکن معنوی با قسمت‌های مختلف رکن مادی، مزیت استفاده از چنین روشی در حقوق داخلی نیز مورد تأکید و ترویج قرار گیرد.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- آقایی‌نیا، حسین و زهروی، رضا (۱۳۸۸). «مطالعه تطبیقی جهل بسیط متهم و آثار آن در فقه امامیه، حقوق کیفری ایران و آمریکا». فصلنامه حقوق، دوره ۳۹، ش ۴.
- آقایی‌نیا، حسین (۱۳۸۴). *جرایم علیه اشخاص (جنایات)*، تهران، میزان.
- آقایی، بهمن (۱۳۸۲). *فرهنگ حقوقی بهمن*، چاپ دوم، تهران، کتابخانه گنج دانش.
- آقایی جنت‌مکان، آقایی (۱۳۹۳). *حقوق کیفری عمومی*، جلد اول، چاپ چهارم، تهران، جنگل، جاودانه.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۲). *حقوق جزای عمومی*، چاپ سی و سوم، تهران میزان.
- برنجکار، رضا (۱۳۸۰). «اراده و تأثیر آن در کیفر جرم از دیدگاه ارسطو». *مجله مجتمع آموزش عالی قم*، سال سوم، ش ۱۰.
- زراعت، عباس (۱۳۸۳). «انگیزه و تأثیر آن در مسئولیت کیفری». *مجله دادرسی*، ش ۴۸.
- روسو، شارل (۱۳۶۹). *حقوق مخاصمات مسلحانه*، ترجمه سید علی هنجینی و شیرین نیر نوری، تهران، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران.
- دیهیم، علیرضا (۱۳۸۴). *درآمدی بر حقوق کیفری بین‌المللی*، چاپ دوم، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- شبت، ویلیام ا. (۱۳۸۴). *مقدمه‌ای بر دیوان کیفری بین‌المللی*، ترجمه: سید باقر میرعباسی و حمید الهوتی نظری، تهران، جنگل.
- صادقی، محمدهادی (۱۳۹۴). *حقوق جزای اختصاصی یک (جرایم علیه اشخاص)*، چاپ بیست و یکم، تهران، میزان.
- صفایی، سید حسن و رحیمی، حبیب‌الله (۱۳۹۵). *مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)*، چاپ نهم، تهران، سمت.

- علی آبادی، عبدالحسین (۱۳۸۵). حقوق جنایی، جلد اول، چاپ چهارم، تهران، انتشارات فردوسی.
- قیاسی، جلال‌الدین، عادل ساریخانی و قدرت ... خسروشاهی (۱۳۹۱). مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی؛ اسلام و حقوق موضوعه (ارکان جرم)، جلد دوم، چاپ سوم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کریانگ ساک، کیتی چایساری (۱۳۸۷). حقوق کیفری بین‌المللی، ترجمه: حسین آقای جنت‌مکان، چاپ دوم، تهران، انتشارات جنگل، جاودانه.
- کسسه، آنتونیو (۱۳۸۷). حقوق کیفری بین‌المللی، چاپ اول، ترجمه: حسین پیران، اردشیر امیر ارجمند و زهرا موسوی، تهران، انتشارات جنگل، جاودانه.
- میرسعیدی، سید منصور (۱۳۹۰). مسئولیت کیفری (قلمرو و ارکان)، جلد اول، چاپ سوم، تهران، میزان.
- میر محمد صادقی، حسین (۱۳۸۶). جرایم علیه اشخاص، تهران، میزان.
- نجیب حسنی، محمود (۱۳۸۶). رابطه سببیت در حقوق کیفری، ترجمه سیدعلی عباس‌نیا زارع، چاپ دوم، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

منابع انگلیسی

- Badar, Mohamed (2009). “Dolus Eventualis and the Rome Statute without it?” *New Criminal Law Review*, 12 (3). Published by: University of California Press.
- BADAR, E., MOHAMED (2008). “THE Mental Element in the Rome Statute of the International Criminal Court: A Commentary from a Comparative Criminal Law Perspective”, *Criminal Law Forum*.
- Cassese, A. (2003). “Mens Rea and the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia” 37 *New England LR*.

- Cassese, Antonio and Gaeta, Jones(2002). “The Rome Statute: A Tentative Assessment” (Oxford: Oxford University Press).
- CLARK, ROGER S. (2001). “THE MENTAL ELEMENT IN INTERNATIONAL CRIMINAL LAW: THE ROME STATUTE OF THE INTERNATIONAL CRIMINAL COURT AND THE ELEMENTS OF OFFENCES”, Criminal Law Forum, Volume 12, issue 3.
- Cryer, Robert (2007). *An Introduction to INTERNATIONAL CRIMINAL LAW AND PROCEDURE*, CAMBRIDGE UNIVERSITY PRESS.
- Dormann, Knut(2003). “War Crimes under the Rome Statute of the International Criminal Court”, with a special focus on the negotiations on the Elements of crimes, Max planck yearbook of United Nations law, Vol. 7.
- Eser, Albin(2002A). *Individual criminal responsibility*, vol.1, Oxford University press. in: Antonio Cassese (Hrsg.): The Rome Statute of the International Criminal Court: a commentary. Oxford: Oxford Univ. Press. Bd. 1 (2002).
- Eser, Albin(2002B). *Mental Elements-Mistake of Fact and Mistake of law*, vol.1, Oxford University press. in:Antonio Cassese (Hrsg.): The Rome Statute of the International Criminal Court: a commentary.Oxford: Oxford Univ. Press. Bd. 1 (2002).
- Finnin, Sarah, (2012). “Mental elements under article 30 of the Rome statute of the international criminal court: A comparative analysis”, International and comparative law quarterly, volume 61.
- Fletcher, G.P. (2007). “The Grammar of Criminal Law”; in: Finnin, Sarah, (2012). Mental elements under article 30 of the Rome statute of the international criminal court: A comparative analysis, International and comparative law quarterly, volume 61.
- Garner, Bryan A., (2000). *Black’s Law Dictionary*, Garner, 5 th reprint.
- Kelt, Maria and Herman von Hebel (2001). “General Principles of Criminal Law and the Elements of Crimes” in Roy S. Lee (ed), The International Criminal Court: Elements of Crimes and Rules of Procedure and Evidence (Ardley: Transnational Publishers Inc).
- Leclerc-Gagné, Elise & Michael Byers(2009). “A Question of Intent: The Crime of Aggression and Unilateral Humanitarian Intervention”, 41 CASE W. RES. J. INT’L L.
- Nadya Sadat, Leila(2002), “The International Criminal Court and the Transformation of International Law: Justice for the New Millennium”,

International and Comparative Criminal Law Series (Ardsley: Transnational Publishers Inc.).

- Triffterer, Otto (2003). "The New International Criminal Law – Its General Principles Establishing Individual Criminal Responsibility", in Kalliopi Koufa (ed.), *The New International Criminal Law*.
- Martin, Elizabeth A. (2001). *Oxford Dictionary Of Law*, fifth editon, Oxford university press.
- Piragoff, D., and Robinson, D. (2008). "Article 30: Mental Element", in: *Commentary on the Rome Statute of the International Criminal Court: Observers' Notes, Article by Article* (2nd edn, Beck).
- Pisani, N. (2004). "The Mental Element in International Crime" in: F Lattanzi and WA Schabas (eds), *Essays on the Rome Statute of the International Criminal Court* (Il Sirente).
- Robinson, Darryl(2001). "The Elements of Crimes Against Humanity" in Roy S. Lee (ed), *The International Criminal Court: Elements of Crimes and Rules of Procedure and Evidence* (Ardsley: Transnational Publishers Inc).
- Robinson, P. and Grall, J. (1983). "Element Analysis in Defining Criminal Liability: The Model Penal Code and Beyond", 35 *Stanford LR*.
- Sliedregt, E. Van(2003). *The Criminal Responsibility of Individuals for Violations of International Humanitarian Law*, The Hague: T. M. C. Asser Press.
- Sliedregt, E. Van(2012). "Individual Criminal Responsibility in International Law", oxford University Press Inc., New York, first published.
- Werle, G. and Jessberger, F. (2005). "Unless Otherwise Provided: Article 30 of the ICC Statute and the Mental Element of Crimes under International Criminal Law", 3 *J Int'l Crim Justice*.
- Vyver, Van der and Johan, D. (2011). "Prosecuting the Crime of Aggression in the International Criminal Court", *U. MIAMI NAT'L SECURITY & ARMED CONFLICT L. REV.* [Vol. 1].

پرونده‌ها و اسناد

- International Criminal Court, Elements of Crimes, U.N. Doc. PCNICC/2000/1/Add.2 (2000): (Published by the International Criminal Court, ISBN No. 92-9227-232-2, ICC-PIDS-LT-03-002/11_Eng).
- Lubanga Decision on the confirmation of charges, supra note 1, paras. 331-332.
- Prosecutor v Bemba Gombo (Confirmation Decision) ICC-01/05-01/08, PT Ch II (15 June 2009) para 358(Bemba Confirmation).
- Prosecutor v Katanga and Ngudjolo Chui (Confirmation Decision) ICC-01/04-01/07, PT Ch I (30 September 2008) para 529 (Katanga Confirmation)
- Prosecutor v Lubanga Dyilo (Confirmation Decision) ICC/01/04-01/06, PT Ch I (29 January 2007), para 351 (Lubanga Confirmation).
- Rome Statute of the International Criminal Court.

The Element-based Analysis of Mental Element of Intentional Felonies which are within the jurisdiction of ICC

Jalalodin Ghiasi¹ – Iman Mohtaram Ghalati²

(Received: 14/ 06/ 2016 - Accepted: 21/ 03/ 2017)

Abstract

The mental element of intentional felonies which are in the jurisdiction of the International Criminal Court has been mentioned under art.30 of the Rome Statute. Except those stipulated unintentional, as a general rule, this article is evenly applied to all crimes in the jurisdiction of the Court. This article cannot define material and mental of elements of the crimes transparently and clearly although it seeks to create a general rule for mental element of all crimes in the jurisdiction of the Court, and still, there are a lot of uncertainties on them. These uncertainties have challenged the interpretation and implementation of the mental element related issues in the Statute. Defining and separating primary and essential parts of a mental element within the art.30, this paper examines and discusses the relationship of these elements with the behavior, condition, and result of crimes within the jurisdiction of the Court.

Keywords: Rome statute, Mental element, Intent, Knowledge, Willing.

1. Associate Professor in Criminal Law and Criminology, University of Qom, Qom.
2. Doctoral Student in Criminal Law and Criminology, University of Qom, Qom
(Corresponding Author): iman_mohtaram@yahoo.com